پرچم

ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان

شمارهٔ چهل ویکم دو شنبه ۹ جدی ۱۳۴۷ ۳۰ دسمبر ۱۹۶۸

دافغانستان دخلک دموکراتیک

پرچمد ارانو اعلامیه

دامرا ثیلو دنجاوز اود هغوی دتمیز پا لسنی حا عیا نو ب ر ضد ، دعربو خلکودعادلانه مبارزو ملا تیر

«افغانستان دخلکو دموکرا ثیک پرچمدا را ثیلو دنجاوز اود هغوی دتمیز پا لسنی حا عیا نو ب ر ضد ، دنړی دخلکو عادلانه مبارزو ملا تیر

دافغانستان دخلکو دموکراتیک پرچمدارانو اعلامیه دامرا ثیلو دنجاوز اود هغوی دتمیز پا لسنی حا عیا نو ب ر ضد ، دنړی دخلکو عادلانه مبارزو ملا تیر

اعلامیه پرچمداران دموکراتیک

خلق افغانستان

پشتیبانی از مبارزات عادلانه خلقهای عرب علیه تجاوز اسرائیل وخاموش امیر یالیستی آن

برچمداران دموکراتیک خلق افغانستان نسبت به اعمال وحشیانه و فاشیستی اسرا ئیل علیه خلقهای عرب ، بالخصوص اسرا ئیل تجاوز و آنرا به اسرائیل ومدافع امپریالیزم امریکا ، المانی غربی و انگلیس که پشتیبا ن اعمال تجاوز و آنرا به اسرائیل ومدافع آنند ، اعتراض وتأثر عمیق خود را ابراز میدارند و مراتب انزجار و تنفر خود را از اقدامات وحشیانه اسرائیل و حامیان امپریالیستی آن اعلام میدارند .

حکومت افغانستان باید برای حل بحران شرق میانه درکنار نیروهای ترقیخواه صلحدوست جداموضعگیری نماید!

باید تجاوز کاران اسرائیلی از مناطق تحت اشغال عقب روند!

آثار تجاوز ماه جون ۱۹۶۷ ازبین برداشته شود!

مساله آوارگان فلسطین حل گردد!

درنتیجه: بحران شرق میانه بر طبق روحیهٔ فیصله نامهٔ شورای امنیت باید ازطرق سیاسی وصلح آمیز حل گردد.

برگ کار مل

سیاست بیطرفی و وظایف ملی ما

دراین اواخر باز هم علی رغم مصالح ملی ما ، باوه سرانی هائی از طرف قدرت حاکمهٔ کشور علیه منشاخارجی مستقل ملی وصلحجویا نه برچمداران دموکرا ثیک خلق افغانستان در جریان است .

هدف از بخش این عجز بات و باوه سرانی ها ، بازهم تعقیب همان شیوهٔ استعماری از تجاغی است که به خاطر مغشوش ساختن اذهان مردم و بمقصد تدارک زمینه ما خلاء دشمنان خارجی افغانستان ، بخاطر بقای قدرت حاکمه و برای بها نه جوئی بمنظور سرکوبی نهضت وهائی بخش ملی ودموکراتیک کشور ما صورت می گیرد .

این شیوهٔ سیاه و ضد مصالح کشور ، در تاریخ مبارزات ملی ما سابقهٔ طولانی دارد به این معنی که هنگامیکه نیرو های اصیل وطنپرست ومترقی در افغانستان پدید آمده وخواسته اند که برای مسائل ملی واتخاذ سیاست خا رجی مستقل دا دریافت نمایند و به جبهه مترقی و متحد تکامل بخشند، ورود استعمار دشمنان خارجی به اتحاد دشمنان داخلی خلق افغانستان به تبلیغا ت کهنه توزانه و اقدامات ضد ملی و ضد مترقی دست زده اند .

خلق افغانستان طی رفیم مصالح ملی ما ، باوه سرائی های استعماری از طرف قدرت حاکمهٔ کشور علیه منشاخارجی مستقل ملی وصلحجویا نه برچمداران دموکرا ثیک خلق افغانستان در جریان است .

هدف از بخش این عجز بات و باوه سرائی ها ، بازهم تعقیب همان شیوهٔ استعماری از تجاغی است که به خاطر مغشوش ساختن اذهان مردم و بمقصد تدارک زمینه ما خلاء دشمنان خارجی افغانستان ، بخاطر بقای قدرت حاکمه و برای بها نه جوئی بمنظور سرکوبی نهضت وهائی بخش ملی ودموکراتیک کشور ما صورت می گیرد .

این شیوهٔ سیاه و ضد مصالح کشور ، در تاریخ مبارزات ملی ما سابقهٔ طولانی دارد به این معنی که هنگامیکه نیرو های اصیل وطنپرست ومترقی در افغانستان پدید آمده وخواسته اند که برای مسائل ملی واتخاذ سیاست خا رجی مستقل دا دریافت نمایند و به جبهه مترقی و متحد تکامل بخشند، ورود استعمار دشمنان خارجی به اتحاد دشمنان داخلی خلق افغانستان به تبلیغا ت کهنه توزانه و اقدامات ضد ملی و ضد مترقی دست زده اند .

خلق افغانستان طی رفیم مصالح ملی ما ، باوه سرائی های استعماری از طرف قدرت حاکمهٔ کشور علیه منشاخارجی مستقل ملی وصلحجویا نه برچمداران دموکرا ثیک خلق افغانستان در جریان است .

هدف از بخش این عجز بات و باوه سرائی ها ، بازهم تعقیب همان شیوهٔ استعماری از تجاغی است که به خاطر مغشوش ساختن اذهان مردم و بمقصد تدارک زمینه ما خلاء دشمنان خارجی افغانستان ، بخاطر بقای قدرت حاکمه و برای بها نه جوئی بمنظور سرکوبی نهضت وهائی بخش ملی ودموکراتیک کشور ما صورت می گیرد .

این شیوهٔ سیاه و ضد مصالح کشور ، در تاریخ مبارزات ملی ما سابقهٔ طولانی دارد به این معنی که هنگامیکه نیرو های اصیل وطنپرست ومترقی در افغانستان پدید آمده وخواسته اند که برای مسائل ملی واتخاذ سیاست خا رجی مستقل دا دریافت نمایند و به جبهه مترقی و متحد تکامل بخشند، ورود استعمار دشمنان خارجی به اتحاد دشمنان داخلی خلق افغانستان به تبلیغا ت کهنه توزانه و اقدامات ضد ملی و ضد مترقی دست زده اند .

دملگر وملتو دعمومی اسامبلی

دریوشتمه اجلاسیه دوره پای ته ورسیده

دملگرو ملتو د عمو می ا سا مبلی دیوشتمه ا جلا سیه دوره پای ته ورسیده ، په دغی دو رنی کی دنړی ۱۲۶ هیواد و تو یکن کړی وو او ډاځمنا یا ستلوه دو ا ندا مو نه یی ترلا سه کړل . دملتو نو دا مثبت او د ټولی بشریت زمنځ نی او پیرا ا ملی هیکا ر ی ب ګه خنی فیصلی هم صادرکړی . دملګرو ملتو دعمومی ا سامبلی پـــه‌دریو شتمه اجلا سیه دوره ک ی د ټولو ملی ګړ و ا ندا زیم اهمیت به ټولی اکثریت تا ئید شو .

دو سلو ډ ما سل ډی دای ته‌رسولو او پ ی سلـی ګـ لـو پیشنهـاد‌ د‌ ن‌ماینده‌ګانو‌ د‌اکثریت له‌خوا‌ تصویب‌شو .

دغی جلسی د ملګرو ملتو له‌خوا‌ د‌بریتانیا‌ د‌ستر‌ نماینده‌ګانو‌ لارډ‌ کارادن‌ د‌ جلسی‌ رئیس‌ وټاکل‌ شو . د‌ دی‌ ډ‌لـه‌ نما ینده‌ګانو‌ له‌ ډ‌یر‌ ډ‌یر‌ ډ‌ا‌ ډ‌ا‌ ملا‌ مبر‌ ی‌ د‌لاسـی‌ لیک‌ له‌ ک‌ولـه‌ نما ینده‌ګانو‌ سره‌ د

از آثار مترقی

تئوری علمی تکامل اجتماعی

تاریخ جامعه بحیث تاریخ تکامل شیوه های تولید

وتعویض حتمی یك شیوه تولید با شیوه دیگر

-۸-

شیوه تولید سو سیالستی :

شیوه تولید سوسیالستی، بر عکس شیوه تولید استثمار گر، بر مالکیت اجتماعی بوده و بالنسبه ثابتا زکار است ، به پیمانه‌ئی که شیوه تولید سوسیالستی یکسی آنکه سیستم سر ما به داری ایجاد شده توانائی رشد کرد ، در درون جامعهٔ سر مایه داری ایجاد شده بود ، مانند تبدیل شدن سر مایه داری بحیث شیوه تولید مسلط در یك جامعهٔ فیودالی رشد کرد و در درون جامعهٔ برده داری ایجاد شده بود. البته تبدیل ازین امر نتیجه گرفت که سوسیالیزم در نتیجه بر میخیزد ، شرایط مقدماتی برای سوسیالیزم در داخل سیستم سر مایه داری ایجاد میگردد ، مانند رو لیدانشیی به مقیاس و سعت ، در حیه بلند تمرکز واجتماعی شدن کار و سطح بلند پیشرفت علمی و تکنیکی. همچنین ازین رو کسه بر طبقهٔ ما خاصتا با سوسیالیزم نزدیك را بعهده دارد ، یعنی طبقهٔ کار گر نیز در تحت شرایط سرمایه داری پرورش می یابد ، در حه بلند تمرکز اجتماعی شدن کار و مکتب دشوار مبارزه راعلیه خودرا تاسیس میکند و صاحب‌بك اندازه لوژی مترقی علمی میگردد .

ولـی این شرایط بطقه ما ، یـا تنهائی برای ایجاد سوسیالیزم کافی نیست این ما نیست بل مبنای مالکیت اجتماعی و وسایل تولید ، که وجود خود آنهـا سبب ایجاد سوسیالیزم نمی آید . مالکیت سو سیا لیستی درون جامعهٔ سرمایه‌داری تشکل نیز ایجاد کرده نمیتواند ، سو سیالیزم مالکیت خصوصـی را ازمیان برداشته و تمام اشکال ستم را برای همیشه محو میکند .

طبقهٔ کار گر هنگامیکه قدرت سیاسی را بدست آورد و بر نواصح کلیدی دز اقتصاد کنترول حا صل کرد ، رمینه را برای ایجاد مناسبات تولید سوسیالیستی مساعد میسازد ، و تمام اشکال ستم را برای همیشه محو میکند .

طبقهٔ کار گر هنگامیکه قدرت سیاسی را بدست آورد و بنواصح کلیدی دز اقتصاد کنترول حا صل کرد ، رمینه را برای ایجاد مناسبات تولید سوسیالیستی مساعد میسازد ، و تمام اشکال ستم را برای همیشه محو میکند .

مناسبات تولیدسوسیالستی و مناسبات تولیدسوسیالستی

اساس تمام نیروهای تولیدسوسیالیستی ایجاد نیروی تولیدی و تکامل می باشد . این ما نسبت بل مبنای مالکیتی اجتماعی و وسایل تولید ، که وجود خود میدهد . حزب دسته متشکل، مبارزه وپیشاهنگ طبقه کارگراست، در حالیکه اتحادیه های کار گری و کار گران و کار گنان رشته های مختلف تولیدی و اجتماعی، بدون در نظر گرفتن معتقدات شان، بتوانند در اتحادیه ها دورهم جمع گردیده وبخاطر منافع مشترك اقتصادی و سیاسی مبارزه نمایند .

اصول اساسی تشکیل اتحادیه های کارگری :

سازمانده اتحادیه های کارگری باید شرایط قبول کارگران را بر اساس نظریات سیاسی و معتقدات آنها تحمیل قرار نمیدهد ، زیرا اتحادیه ها دری، فیودالـه های را، را بکار می بند. فرقی کلی دارد ، حزب طبقه کارگر همواره رهبری سیاسی طبقه را تأمین مینماید و تمام مسائل مربوط به تئوری وعقیده استوار نمیباشد ، تا تمام یا قسمت اعظم کار گران و کار گنان رشته های مختلف تولیدی و اجتماعی، بدون در نظر گرفتن عقیده شان، بتوانند در اتحادیه ها دورهم جمع گردیده وبخاطر منافع مشترك اقتصادی و سیاسی مبارزه نمایند .

اتحادیه ها باید بصورت دموکراتیك عمل کنند ، یعنی باید تمام رهبران اتحادیه ها بطور منظم انتخاب گردند ، و باید در مقابل کنگره و یا کنفرانس نمایندگان اتحادیه ها مسئول باشند . اتحادیه ها باید بصورت دموکراتیك عمل کنند ، یعنی باید تمام رهبران اتحادیه ها بطور منظم انتخاب گردند ، و باید در مقابل کنگره و یا کنفرانس نمایندگان اتحادیه ها مسئول باشند . اتحادیه ها باید بصورت دموکراتیك عمل کنند ، یعنی باید تمام رهبران اتحادیه ها بطور منظم انتخاب گردند ، و باید در مقابل کنگره و یا کنفرانس نمایندگان اتحادیه ها مسئول باشند .

بیا !..

«برادر ! وطن ما یکست ، دشمن‌ما یکست.
بیا ! تا با ، پیوند متینها ودلها،بپیوند خوشه ها و شعله ها هر دانه‌بزرگ هیم .
بیا ! تا با ، پیوند متینها ودلها،بپیوند خوشه ها و شعله ها هر دانه‌بزرگ هیم .
چون صخره های‌فلاخای هندو کش،با دلی آکنده از شرافت انسا نی‌زند گی را چون طلیعه بیا ، د ی بدر خشا نیم .

اسد (ك)

از (ص اول)

سیاست بیطرفی و وظایف...

بطرفی برای کشور هائی ما نند افغانستان بیشترین احتیاج و ضا می استقلال ملی وتعاملت از خطر ها و جنا نکه سوریه ، انجزایر ،جمهوریت متحده عربی ، یرما ، یمن ، یمن جنوبی ، کمبوديا ، تانزانيا ، گانکو برازاویل ، کینی ، وغیره این استراتیجیا دی دنکر ، پی برده اند که برا بر نخواهند ماند ، و شانتاز اقتصادی و سیاسی کشور های امپریالیزم آلمان غربی ، انگلستان و سایر کشور های سرمایه داری می‌باشند .

سوال حیاتی برای کشور ما اینست که آیا مبارزه وضد بت علیه کشور های امپریالیستی و وسایس ارتجاع داخلی حفظ گشته و تا برابری حقو قی و ترقی وسیعا کام برداشته و حتی در تقویه چنین های آزادیبخش ملی ، نقش مؤثری را ایفا نما یند .

دول کشور های آسیا ، افریقا و امریکای لاتین وا چله کشور و ما ، هر روز از تجربه خود می بی برند که استراتیژی برای مبارزه علیه امپریالیزم و نظام های ارتجا عی با خیزند . این کشور ها تشخیص میکنند که دشمن اساسی خود را مسایل ملی عبارت است از مبارزه علیه امپریالیزم و نظام سلطه نفوذ امپریالیزم بوطرد انحصار ، اندازه لایه تبع مبارزه علیه امپریالیزم

(٤)

حقوق اقتصادی واجتماعی کارگران

-۲-

اتحادیه هایاسند یکاهای کار گری

در سه شماره مسلسل قبلی تاریخچهٔ تکامل،اتحادیه های کارگری،در بعضی از کشور ها ارائه گردید اینك آخرین قسمت آن تقدیم میشود.

در روسیه :

از نیمهٔ دوم قرن ۱۹ ببعد بحیث عمومی در روسیهٔ تزاری، وضع کارگران روسیه نسبت به همه کشور های سرمایه داری بدتر بود. استثمار شدید وحشیانهٔ سرمایه دران داخلی و خارجی ، درخیاشت استبداد تزاری را زد و آنها مجبور به مبارزه شدند .

با اعتصاب عمومی کارگران راه‌خود را بسوی تشکیل سازمان ملی مستقل کارگری پیدا نمودند . نخستین سازمان کارگری « اتحادیه کارگران صنعت » در سال ۱۸۷۵ در شهر ادیسا تشکیل گردید. سه سال بعد در پترو گراد(لنین گراد) ، «اتحادیهٔ کارگران شمال» بوجود آمد.

وضع کارگران روزبهروز وخیمتر میشد . تاریخ نیمهٔ دوم روز نکسیمبر سال ۱۹۰۵ واقعهٔ مهم در حیات کار گران آنکشور می باشد .

یکشنبه خونین آغاز اعتصابهای عمومی که کار آن ، قیام مسلحانه و انقلاب ۱۹۰۷ – ۱۹۰۵ رو سیه شد. ازسال ۱۹۱۰ به بعد جنبش اعتصابی دو بارهرو گرفت وتاسال ۱۹۱٤ صد ها اعتصاب دیگر به عمل آمد و ملیونها کار گر در آنا عتراض گردند . در دوران مبارزات اعتصابی کار گران نتوانستند با اتحادوحدت عمل ، کار فرمایان را وادار به اعتقاد قرار داد جمعی نمایند .

کار گران روسیه نتوانستند یك سازمانهای خود ، یا اتحادیه های کارگری بوجود آورند ، تا اینکه انقلاب کبیر سو سیالیستی اکتبر(۱۹۱۷) را بپرورز نمایند . با پیروزی انقلاب کبیر اکتبر وبا نجه جنگهای داخلی وضع طبقه کارگر روسیه و همه کشور ها تغییر کلی یافت .

اتحادیه های کار گری انحصا ر دشوری اکنون متشکل تبریس ولیرومتر ترین اتحادیه‌های جهان هستند. در صفوف اتحادیه های صنفی تعداد شوروی قریب ۷۵ ملیون نفر عضو وجود دارد که شامل همه‌قشر های تولیدی و اجتماعی می باشد .

اصول اساسی تشکیل اتحادیه های کارگری :

سازمانده اتحادیه های کارگری باید شرایط قبول کارگران را بر اساس نظریات سیاسی و معتقدات آنها تحمیل نمایند ، زیرا اتحادیه ها دری، فیودالـه های را، را بکار می بند. فرقی کلی دارد ، حزب طبقه کارگر همواره رهبری سیاسی طبقه را تأمین مینماید و تمام مسائل مربوط به تئوری وعقیده استوار نمیباشد ، تا تمام یا قسمت اعظم کار گران و کار گنان رشته های مختلف تولیدی و اجتماعی، بدون در نظر گرفتن عقیده شان، بتوانند در اتحادیه ها دورهم جمع گردیده وبخاطر منافع مشترك اقتصادی و سیاسی مبارزه نمایند .

اتحادیه ها باید بصورت دموکراتیك عمل کنند ، یعنی باید تمام رهبران اتحادیه ها بطور منظم انتخاب گردند ، و باید در مقابل کنگره و یا کنفرانس نمایندگان اتحادیه ها مسئول باشند . اتحادیه ها باید بصورت دموکراتیك عمل کنند ، یعنی باید تمام رهبران اتحادیه ها بطور منظم انتخاب گردند ، و باید در مقابل کنگره و یا کنفرانس نمایندگان اتحادیه ها مسئول باشند . اتحادیه ها باید بصورت دموکراتیك عمل کنند ، یعنی باید تمام رهبران اتحادیه ها بطور منظم انتخاب گردند ، و باید در مقابل کنگره و یا کنفرانس نمایندگان اتحادیه ها مسئول باشند .

از (ص اول)

پته مینه

دیسر لی وزمی لکه زوموتانه
دیسر ، د ، د سیسو د ننیلیو
به خنیو و ر و زو گو نی ته ر لی.
بوه سینه وریخ د لیلی اسمان یی .
سمندرگی دسیوونی. تر بلو شوللاندی
لکه زوړ بیری دخنیرو. غږونو
دیاسه دلو یدنیخ افق خوانه نیمیدله.
دگیوتاد شکللو او نورو داگیو کشیدی
گوجیتاوو ورپکی تری را تاو شوی ی
دهغووزو وریخی تری را تاو شوی ی
او دخپل ناکام هوس د حس ر سه
لمبو ـ کی سو خیده. دوو نر سو گو
اوښکی تر بولی او یدی او شبکه باندی
دننیه تیاری دی لاړ ، مگر لمبو ـ
دننیه اچوله. دی غمجن زوه او وریخو
سترگو، دداسی یو مزدور، د نا گام
عشق ترازیدی غږ و له چه دو لس
کاله بی دخا ناله یو نه وزاه کړی.
بی‌وزده خدمت کړی.

وزر خواره گیږوو یا به تیره یه
لمبو نو چه ږه له یسی نخیدل.ـ غږونو
هلته یو داسی زلمی زوه هم و چه
هیو سه و نه چی د یی صیره تا شنو ی یی
مغزو گی خیی وهی او یر هر شی
وردا نگی.

دخداوو گنهار. دیلو نو مینی
د و ا ن چوتی دورا باتو زوړ نو ته
تاوده گیږوو. مغرور زوم اودو لنمن
خسرپر سریه پو ښتیمنوبالینتو نو
خنگونه وهلی وړ و دا سی تخیله
خوشالینا کی وړ و چه خپلو
پیواړه تا سیگو غږو خو و یرخو نه‌یی
پام نښو ځ و گای.

ـ به هریو یو نبلی ډك چلمان نیکته
پورته خلیدل، دیلو او چا ینکو
شرنگی خورو. نبلی دا ور پینمیو
لنگونی او زرین و سکتو نه تا تن
دهنان خوږ به ږینیدل.

دو یونکو وزو او داسونو شپنگی،
دخانانو او ده نه تن هر واده و یا
در نښت ورگړی وړ. خو نبی ږه‌نیلو

از (ص اول)

دده تو ره، ده خدمت، ده شپه
خوانی او روغ صورت گرد سره دښت
مینی تر خامی نمی چا ر دو ی وو .
لمبو ـ کی سو خیده. دوو نر سو گو
اوښکی تر بولی او یدی او شبکه باندی
دننیه تیاری دی لاړ ، مگر لمبو ـ
دننیه اچوله. دی غمجن زوه او وریخو
سترگو، دداسی یو مزدور، د نا گام
عشق ترازیدی غږ و له چه دو لس
کاله بی دخا ناله یو نه وزاه کړی.
بی‌وزده خدمت کړی.

از (ص اول)

دربارهٔ اعلامیه حقوق بشر

شنامل آنست که از داشتن عقاید خود بیم واضطرابی نداشته باشد

از (ص اول)

وضع نابسامان سرویسهای شهری

غرجستانی

چند سال یکبرتبه با ارائه دلایل نادرست و ارقام جعلی گرایه‌بسها را بالابرده و بالاتر از همه این مسئله بسیار جدائی شهر نشینان یعنـی بس رانی راگه‌مانند‌برسانی، برق ، مخابرات وغیره جزء خدمات عامهٔ شمار میرود و باید دولت این وظیفه رابدوش خود گرفته شود نه‌اینکه مانند سابق شدیدا مورد استثمار قرار دهد ، بلکه به انتظار و امید مفاد نا چیز شخصی ، آنهارا بجان هم ورا گیچن بیفکند . واقعا بجز تامین حد اکثر سود ، هیچ چیز دیگری مطمح نظر آنها نیست.

مقامات به اصطلاح مسؤول که وظیفه‌شان رشته و پیوند منافع‌محسوس وناملموس با مالکین سرویس ها و شهری ارتباط دارند ، فقط حدود را برابر آنها وتامین منافع آزمندانهٔ آنان ، مسؤول میدانند نه دربرابر مردم . درحالیکه هرگونه تسهیلات برای صاحبان و موسسات بین‌راهی آماده میسازند ، هرگز درصدد آن نیستند که اعمال آنها را کنترول نمایند .

پیمانکاری اجازه داده میشود که مصالح و مصالح مردم حکم میدانند که بحیث یك اقدام عاجل و فیصله‌ئی، بی‌رانی را در شهرها باید ملغی ساخت وبدون در نظر گرفتن مفاد، باید تسهیلات کامل ترانسپورتی را در شهر ها بوجود آورد .

موضوع وقت و آمد در داخـل شهرهای کشور یکی از دهها مشکل بزرگ روزانه مردم ماست . تا کنون معمولی ترین وسیلهٔ ترانسپورتـی که عبارت از بس‌های شهری است، حتی در شهر کابل هیچگونه نظـم و ترتیبی ندارد ، تاچه رسد به شهر ـ های دیگر کشور . درحال حاضـر تعداد بس‌ها در شهر کابل وخطوطی که آنها برروی آن در حرکتـند ، نه‌تنها تا کافی است بلکه مـردم ، کارگران ، کسبه کاران ، شاگردان مکاتب، محصلان ومامورین، بیماران وسایر کسانیکه ضرورت دارند از، یك نقطهٔ شهر به نقطهٔ دیگر آن‌بروند وپا بروش شهر به داخل آن‌وارد گردند ، باید گاهی ساعت سر گردانـی ، الاقل وقت ، دربرسیدن به نقطـهٔ مقابو، به ۱۵ بدرند. رویهٔ بایکه بخصوص در برابر شاگردان خورد ـ سال مکاتب وسایر کودکان صورت میگیرد ، کاملا غیر انسانی است . هرروز صدها کودك ، درساعات پیاخت شلوغ سرویسها میگذارند یا پی‌ـ ـ ـ